

## چگونگی ایجاد کشوری بنام افغانستان

### مقدمه

طوری که دیده میشود هنوز هم بحث های داغی بر سر چگونگی ایجاد افغانستان کنونی، تاریخ تعیین مرزها و سابقه تاریخی و جغرافیای آن ادامه دارد. گروهی سعی میکنند تا بر بنیاد احساسات ویا عواطف شخصی، گروهی ویا قومی باز هم به تاریخ سازی وجعل تاریخ در مورد سابقه تاریخی، نام کشور و چگونگی ایجاد آن ادامه دهند.

باین ارتباط کوشش میگردد تا در پرتو اسناد تاریخی و مدارک جغرافیایی نشان داده شود که کلمات "افغان" و "پتان" نامهای تاریخی یکی از اقوام این مرز و بوم است که امروز خود را پشتون مینامند و در گذشته نچندان دور، مسکن اصلی آنها در اطراف کوههای سلیمان نیز بهمین نامها بوده است. همچنان خواهیم دید که همین دهکده های "افغان" و "پتان" بتدریج "افغانستان" نامیده شده و سر انجام در اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 بتمام محدوده افغانستان کنونی اطلاق میگردد.

### بررسی مسئله

قبل از ورود بموضوع اگر صفحاتی از تاریخ گذشته این قلمرو را ورق بزیم درمی یابیم که زمام داران نامدار و تاریخی این خطه اکثرا کسانی بوده اند که مناطق بیشتری را اشغال (ویا فتح؟) کرده، خونهای بیشتری را ریختانده و هویت (نام قوم، قبیله، منطقه و حتی زبان، فرهنگ و مذهب) خویش را بالای دیگران تحمیل نموده و باین ترتیب امپراطوریهای را بزور سر نیزه و شمشیر ایجاد نموده اند که عنصر اساسی پیوند و استحکام آن خشونت، شکنجه، زبان بریدن ها و کله منار ساختن ها تحت نام حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی بوده است.

اما این امپراطوریها هیچ وقت دارای مرزهای مشخصی بمفهوم امروزی آن نبوده اند ولی ساحه نفوذ و حاکمیت ایشان در قلمروهای جدید با "تحمیل" سه شرط ذیل تعیین میگردد:

1. گرفتن نام امیر ویا شاه در خطبه،
2. ترویج پول امیر ویا شاه در منطقه،
3. دادن باج ویا جزیه.

افزون بر آن در اکثریت موارد تابعیت و آرامش نسبی این قلمروهای جدید نیز زیاد دوامدار نبوده است: پس از رفع هجوم ویا در صورت "قوی شدن"، یا دوباره خود مختار شده اند، یا به اشغالگر دیگری تبدیل ویا همدست گشته اند و یا از جانب قویهای دیگری مورد هجوم و غارت قرار گرفته اند. این سریال برده و بدار شدن ویا بازیهای بُرد و باخت، سرنوشت دایمی قلمروهای این مرز و بوم در طول تاریخ بوده که بر بنیاد اصل "حق بودن زور" استوار و تا اکنون ادامه دارد:

بروقوی شواگر خواهی زنده مانی که در نظام طبیعت، ضعیف پامال است

جهت اثبات این موضوع میتوان بعنوان حوادث و شهکاریهای زمامداران کشور از احمدشاه ابدالی تا امیر عبدالرحمن در تاریخ "صدیق فرهنگ" نظر افگند و محاسبه کرد که بهر منطقه چند بار لشکر کشی صورت گرفته و هر منطقه چند بار فتح (؟) گردیده است (1):

1. **احمدشاه ابدالی و تشکیل (!) امپراطوری از 1747 الی 1773 میلادی:** سازماندهی دولت جدید، فتح کابل و پشاور، لشکرکشی اول به هند، لشکرکشی دوم، توطیه نورمحمدخان میرافغان، لشکرکشی به هرات و مشهد، لشکرکشی سوم به هند و فتح پنجاب و کشمیر، مرگ میرمنو و لشکرکشی چهارم، قتل عام و تاراج دهلی، لشکرکشی پنجم و جنگ پانی پت، شورشهای جدید در داخل، لشکرکشی هفتم به هند، لشکرکشی به بلخ و بدخشان، لشکرکشی به مشهد و...

الفنستون در مورد احمدشاه ابدالی میگوید: "بسیاری از قبایلی که به آسانی تسلیم نمی شدند به هوای غنایم به او می پیوستند" (2).

2. **تیموشاه درانی و حفظ (!) امپراطوری از 1773 الی 1793 میلادی:** رقابت دو برادر و نقش اشرف الوزرا، اعدام وزیر و مخالفت سرداران، غایله عبدالخالق، تبدیل پایتخت (بقول الفنستون بعلت ترس و بی باوری از درانیان کندهار و انتخاب کابل - مسکن تاجکان - یعنی آرامترین و بردبارترین قوم در میان رعایا)، جنگ با سیکها، جنگ کشمیر، لشکرکشی به مشهد و نیشاپور، جنگ با پادشاه بخارا و ...

3. **پسران تیمورشاه و ازبین رفتن امپراطوری (!) یا ادامه جنگ خانمانسوز داخلی در بین برادران سدوزایی و بارکزیایی در تمام طول قرن نهم:** مجادله جانشینی، مخالفت شهزاده همایون بازمانشاه و کورشدن او، سرکشی شهزاده محمود، لشکرکشی زمانشاه به هند، توطیه سرداران و اعدام ایشان، شورش پسران پاینده خان و پایان کار زمان شاه (1793 - 1801). پادشاهی شاه محمود بار اول (1801 - 1803): شورش غلجاییان، بلوای ضدشعبه و سقوط شاه محمود. پادشاهی شاه شجاع بار اول (1803 - 1809). سلطنت شاه محمود باردوم (1809 - 1817) در کابل: نابینا ساختن وزیر و قیام برادران او، انقراض سلسله سدوزایی، انقسام کشور در بین برادران محمدزایی، از دست رفتن ملتان، کشمیر، دیره جات، پشاور و... از دست دادن کابل و کندهار، فرار به هرات و ادامه حکومت در آنجا (3):

**حاکمان هرات:** شاه محمود (1817 - 1829)، شاه کامران (1829 - 1841)، حکومت برتانیه باموصوف منحصیث شاه هرات معاهده امضانموده است، یار محمد (1841 - 1851)، سید محمد (1851 - 1855)، محمد یوسف و عیسی خان (1855)، تسخیر هرات توسط فارسها (1856)، سلطان احمدخان (1857 - 1863) و تسخیر هرات توسط دوست محمد (1863).

**حاکمان کندهار:** پردلخان (1817 - 1839)، شاه شجاع باردوم (1839 - 1841)، کهندل خان (1842 - 1855) و دوست محمد (1855 - 1863).

**حاکمان کابل:** محمدعظیم (1817 - 1822)، حبیب الله (1833 - 1836)، دوست محمد بار اول (1826 - 1839)، شاه شجاع باردوم و جنگ اول افغان و انگلیس (1839 - 1841)، زمانخان (1841 - 1842)، فتح جنگ (1842) و دوست محمد باردوم (1842 - 1863)، شیرعلی بار اول (1863 - 1866)، محمدافضل (1866 - 1867)، محمداعظم (1867 - 1868)، شیرعلی باردوم (1868 - 1879)، یعقوب خان و جنگ دوم افغان و انگلیس (1879)، عبدالرحمن خان (1880 - 1901): جنگ با ایوب خان، درهم شکستن قیام شنواریها و غلجاییان، شورش سردار اسحاق خان و جنگ ترکستان، قیام هزاره جات، فتح کافرستان، شورش سرحد و...

اینکه در طول اینمدت در شمال هندوکش و اطراف آن چند واحد خودمختار و یا تابع امارت بخارا (الی اشغال ترکستان در 1888 و کافرستان در 1895 توسط عبدالرحمن) وجود داشته (مانند شاهان درواز، میران بدخشان و...) قابل بررسی جداگانه است. چنانچه باساس گذارش یک خبرنگار بی بی سی در سال گذشته، مردمان مناطق پامیر باین فکربودند که هنوز ظاهرشاه پادشاه افغانستان است، در حالیکه در جریان کمتر از 30 سال گذشته، بیش از 10 بار "پادشاه گردشی" در این کشور صورت گرفته و مردمان این خطه انواع رژیمهای سرخ، سفید و سیاه را بقیمت گوشت، پوست و خون خود تجربه کرده اند.

باوجودیکه زمامداران افغانی رابعضا خودشان ویا دیگران، شاه "افغان" خوانده اند ولی مردمان این سرزمین، ایشان را اکثرا شاهان "خراسان" نامیده اند(4 و 5):

در مورد احمدشاه:      دمی که شاه شہامت مدار احمدشاه      باستواری همت بنای شهر نهاد  
جمال ملک خراسان شد این تازه بناه      ز حادثات زمانش خدا نگهدارد

در مورد تیمورشاه:      خدیو خراسان دار سپاه      گل باغ اقبال تیمورشاه

در مورد محمدافضل:      دوفوج مشرق و مغرب زهم مفصل شد      امیر ملک خراسان محمدافضل شد

تحقیقات بعمل آمده تا اکنون نشان میدهد که کلمات "افغانستان" و "اوغانستان" برای بار اول حدود هفتصد سال قبل در تاریخنامه هرات تالیف سیفی هروی به محدوده کوچکی در اطراف کوه های سلیمان اطلاق گردیده است (4). کلمه "اوغانستان" حدود دونیم صد سال قبل در یک تعداد نقشه های قدیمی به همین مناطق در اطراف کوه های سلیمان بکار برده شده است (نقشه 1 دیده شود) و همین مناطق در نقشه های سال های قبل از آن بنام های "اوغان"، "اوغان" و "پتان" یاد شده است (نقشه های 2 و 3 دیده شود).

جورج فورستر سیاح انگلیسی در سالهای 1782 - 1784 در "سفری از بنگال تا انگلستان از طریق قسمت شمالی هند، کشمیر، افغانستان، فارس و روسیه" عبور نموده و خاطرات این سفر خویش را با همین عنوان در 1798 در لندن بچاپ رسانیده که حاوی معلومات نهایت جالبی در مورد تاریخ و فرهنگ مردمان این مناطق میباشد (6).

موصوف در سال 1783 از شهر های پشاور، جلال آباد، کابل (بهنگام سلطنت تیمورشاه)، غزنه، کندهار و هرات عبور میکند. از "افغانستان" نام میبرد ولی حدود آنرا ذکر نمیکنند ولی مسیر مناطق کشمیر، پشاور، کابل، کندهار و هرات را مربوط "حکومت افغان" میخواند. کابل را "پایتخت امپراطوری افغان" ذکر نموده و بلخ را پایتخت ازبیک های ترکستان میگوید که تا اندازه تابع تیمورشاه بوده و مرادات عام با کابل را نگهداشته است.

فورستر نقشه جالبی از مسیر سفر خویش ترسیم میکند که در آن کشور های بخارا، فارس و هندوستان بدون مرز بندی با خطوط برجسته نشان داده شده اند. در نقشه، مناطقی بنام "افغان"، غور، لاهور و خراسان دیده میشود که در برگیرنده ساحات بزرگتر نسبت به کشمیر و "کابل" آنروزی است. با وجودی که در متن کتاب در چندین جای نام "افغانستان" یاد آوری شده، اما چنین مکانی در نقشه

نشان داده نشده وبعوض، منطقه "افغان" نشان داده شده است که در شرق کندهار و جنوب کابل قرار دارد (نقشه 4 دیده شود).

در سال 1808 حکومت هند برتانوی تصمیم میگیرد تا یک هیات بزرگی تحت سرپرستی مونت استوارت الفنتون، از دهلی بنزد شاه کابل بفرستد. الفنتون در بهار 1809 در پشاور بدربارشجاع الملک، "شاه کابل" میرسد و بعلاوه اینکه شاهد شکست موصوف در جنگ کشمیر و سقوط سلطنت وی درین سال توسط برادرش مییاشد، گذارش سفر خویشرا بنام "گذارش سلطنت کابل و متعلقات آن در فارس، ترکستان و هند" تهیه نموده و در 1815 در لندن بنشر میسپارد. گذارش الفنتون نیز نهایت دلچسپ بوده و دربرگیرنده معلومات بسیار ارزشمندی در مورد تاریخ و فرهنگ مردمان این سرزمین مییاشد. الفنتون نیز نقشه جالبی از محدوده تخمینی سلطنت کابل و کشورهای مجاور آن بچاپ رسانیده که خیلی دلچسپ بوده و نشاندهنده مناطق کاشغر، بخارا، بدخشان، بلخ، خراسان، "افغانستان"، سیستان و پنجاب است (نقشه 5 دیده شود).

در مورد مبدا نام افغان میگوید که "افغانها [پشتونها] این نام را از طریق رسانه های زبان فارسی گرفته اند. آنها خود را پشتون مینامند که جمعش پشتانه میشود. بردرانیان آنرا پختون و جمعش را پختانه تلفظ میکنند. شاید نام پتان که برای افغانها در هند بکار میرود، از همین کلمه گرفته شده باشد" (2).

موصوف سلطنت کابل را شامل "افغانستان و سیستان، بخشی از خراسان و مکران، بلخ با ترکستان و کیلان، کتور، کابل، کندهار، سند، کشمیر با بخشی از لاهور و ملتان میداند". موصوف علاوه می کند: "افغانها [پشتونها] نام عمومی برای کشورشان ندارند، اما افغانستان که احتمالاً نخست در فارس بکار برده شده و مکرر در کتابها آمده، برای ساکنین آن نا آشنا نیست. **لذا من این نام [افغانستان] را برای این کشور میگذارم** که حدود آنرا شرح دادم". موصوف دلیل این نامگذاری را اینطور بیان میکند: "آنان [پشتونها] نام عمومی برای کشور خویش ندارند ولی گاهی نام فارسی افغانستان را بکار میبرند ... **نامی که توسط ساکنان این سرزمین بر تمام کشور اطلاق میشود خراسان است** اما بطور واضح کاربرد این نام نادرست است. زیرا از یکطرف تمام سرزمین افغانها [پشتونها] در محدوده خراسان قرار ندارد و از طرف دیگر در قسمت بزرگ آن ایالت [خراسان]، افغانها [پشتونها] سکونت ندارند" (2).

بعلاوه شواهد فوق، اسناد موجود در آرشیف هند برتانوی که از طریق انترنیت نیز قابل دسترس است (7) نشان میدهد که قسمت اعظم مرزهای افغانستان کنونی در بین سالهای 1885 الی 1896 و در زمان عبدالرحمن تعیین و تثبیت گردیده است. این اسناد نشان دهنده آنستکه القاب والی، وزیر، امیر و شاه از طرف حکومت برتانیه و تحت چه شرایطی به این زمام داران اعطا گردیده و صلاحیت ایشان چگونه بوده است.

این اسناد همچنان نشان میدهد که موضوع تعیین و تثبیت مرزها در قلمرو افغانستان کنونی برای بار اول در سال های 1869 (در عصر امیر شیر علی خان) در مذاکراتی بمقصد تعیین سرحدات در بین حکومت برتانیه و روسیه آغاز میگردد (7). در سال 1872 سفیر برتانیه در روسیه، پیشنهاداتی را در مورد سرحدات شمالی ارایه میکند اما با پیشنهادات متقابل روسیه در 1873 مواجه میشود. این پیشنهادات که بعداً بنام معاهده کلاریندون - گورتچاکوف 1872 - 1873 نامیده میشود و بدون

هیچگونه مراجعه بزماداران وقت صورت گرفته است، اساس مرزهای موجود در شمال کشور را در زمان عبدالرحمن تشکیل میدهد که بتعقیب یک سلسله برخوردهای مرزی در بین سال های 1884 - 1892 توسط نمایندگان حکومت برتانیه و روسیه با برخی تعدیلات و اصلاحات تعیین و تثبیت میگردد. مرزهای شرقی و جنوبی کشور در بین سالهای 1893 - 1896 توسط نمایندگان حکومت برتانیه و کابل تعیین و تثبیت میگردد.

قبل ازین در بهار سال 1872 موضوع برخوردهای سیستان در دو جانب دریای هلمند برای بار اول بعنوان یک "مسئله مرزی" توسط حکومت کابل و فارس بحکمیت حکومت برتانیه واگذار و فیصله میشود که فیصله نهایی حکومت برتانیه مورد توافق جانبین است (7).

باینترتیب افغانستان کنونی تا اندازه زیادی محصول امپراطوری برتانیه بغرض عدم تقابل و رویا رویی با امپراطوری روسیه است که منحصیث یک "کشور حایل" در مقابل پیشرویهای روسیه در دوره امیر عبدالرحمن ساخته میشود. همانطور که حکومت برتانیه در سال 1839 معاهده را با کامران منحصیث "شاه هرات" امضا نموده و هدف آن ایجاد "کشور حایل" در بین منطقه تحت نفوذ خودش در مقابل حکومت فارس بوده است.

جهت اثبات این موضوعات میتوان به **معاهدات و سایر اسنادی** مراجعه کرد که توسط نمایندگان حکومت برتانیه (تا سال 1930) با زمامداران مختلف این قلمرو (بنام شاه، امیر و...) امضا نموده و در قسمت آرشیف مربوط به افغانستان قید گردیده اند (7):

1. معاهده دوستی با شاه شجاع "شاه کابل" در 17 جون 1809.
2. یادداشت خواهشات و توقعات با یار محمدخان وزیر کامران "شاه هرات" در 9 جون 1839.
3. معاهده دوستی با شاه کامران "شاه هرات" در 13 اگست 1839.
4. معاهده دوستی با امیر دوست محمدخان "والی کابل و ممالک افغانستان" در 30 مارچ 1855.
5. قرارداد با امیر دوست محمدخان "حاکم کابل و ممالک افغانستان" در 26 جنوری 1857.
6. معاهده گندمک با امیر محمد یعقوب خان "امیر افغانستان و متعلقات آن" در 26 می 1879.
7. پروتوکول با روسها برای علامه گذاری مرز بین هریرود و اکسوس در 10 سپتمبر 1885.
8. پروتوکول با روسها برای علامه گذاری خطوط مرزی تا دوکچی در 1 سپتمبر 1886.
9. پروتوکول نهایی تثبیت مرزهای شمالغربی در 10 جولای 1887 با ضمیمه.
10. پروتوکول با روسها برای تثبیت مسله آبهای کشک در 3 سپتمبر 1893.
11. نامه بامیر عبدالرحمن خان "امیر افغانستان و متعلقات آن" درباره تضمین مناطق بهنگام تاجگذاری 1880 و مناطق شمال اکسوس در 11 نومبر 1893.
12. قرارداد با امیر عبدالرحمن خان "امیر افغانستان و متعلقات آن" برای ترک مناطق شمال اکسوس در 12 نومبر 1893\*.
13. قرارداد با امیر عبدالرحمن خان "امیر افغانستان و متعلقات آن" درباره مرز هند-افغان در 12 نومبر 1983\*.
14. قرارداد درباره سرحدات افغان - کرم در 21 نومبر 1894.
15. قرارداد درباره مرزهای هندوکش تا کوتل ناوه در 9 اپریل 1895.
16. قرارداد درباره مرز افغان - بلوچ تا مرز فارس در 26 فیبروری 1895.
17. نامه ایرل کمبری بسفیر روسیه در لندن درباره علامه گذاری پامیر در 11 مارچ 1895.

18. نامه ام. دیساتل سفیر روسیه در 11 مارچ 1895.
19. قرارداد درباره تعیین مرز بلوچ - افغان تا فارس در 13 می 1896.
20. علامه گذاری مرز سیستان در 1 فبروری 1905.
21. معاهده با امیر حبیب الله خان "امیر افغانستان و متعلقات آن" درباره قرارداد موجود با امیر متوفی در 21 مارچ 1905.
22. معامله آب سیستان در 10 اپریل 1905.
23. معاهده صلح در راولپندی در 8 اگست 1919.
24. معاهده درباره روابط دوستی و تجارت در 22 نومبر 1921.
25. کنوانسیون تجارتی در 5 جون 1923.
26. تبادل یادداشت با وزیر افغان در لندن در 6 می 1930.

همچنان در معاهده حکومت برتانیه با مهاراجه رنجیت سنگ در لاهور در 26 جون 1838 نام و امضای شجاع الملک (شاه مخلوع کابل) نیز وجود دارد که در قسمت آرشیف مربوط به پنجاب (8) قید گردیده است. نام افغانستان برای اولین بار در همین معاهده ذکر گردیده که میتوان آنرا نخستین صورت رسمی این نام در معاهدات خارجی خواند (4). در معاهدات حکومت برتانیه و شاه فارس در سالهای 1801 و 1809، کلمات "شاه افغان" و "افغانها" بکار برده شده اند (7).

باینترتیب قبل از امیر عبدالرحمن، کشوری بنام "افغانستان" منحیث یک واحد سیاسی با مرزهای مشخص دولتی در زمان هیچیک از زمامداران قبلی در مربوطات این مرز و بوم وجود نداشته است. البته زمامدارانی بنام های خان، حکمران، والی، امیر، شاه و یا امپراطور بطور خود مختار، نیمه خود مختار و یا باگذار در محلات و مناطقی بنام های بدخشان، تخارستان، کندز، بلخ، بخارا، غوروات، هرات، کابل، غزنه، کندهار، خراسان، ایران، سیستان، زابلستان، کافرستان، کابلستان، ترکستان، افغانستان و... با مرزهای غیر مشخص و جغرافیای متغیر در طول تاریخ وجود داشته که محدوده امروزی این نام ها با جغرافیای دیروزی آنها کاملاً فرق دارد (9).

### نتیجه گیری

طوری که دیده میشود مناطق افغان [پشتون] نشین در اطراف کوههای سلیمان که بنام "افغان" یاد میگردد (10)، بقول الفنسٹون مدتها قبل (در قرن 13) توسط فارسی زبانان، افغان - ستان نامیده میشود و بعدها، در قرن 18 بمنابع خارجی راه مییابد (نقشه 1 و سفرنامه فورستر). پس از قدرت گرفتن افغانها [پشتونها] در نیمه قرن 18 و تا نیمه قرن 19 این کلمه بمناطق وسیعتری در جنوب کشور "کابل" اطلاق گردیده (نقشه 5 و 6) و در اواخر قرن 19 جانشین کلمه "کابل" میگردد. فکر میشود استدلال الفنسٹون در قسمت نامگذاری قلمرو امیران "کابل" آنروزی بنام "افغانستان" در گذارش جامع او برای سرنوشت سازان آینده این قلمرو (انگلیسها و افغانها [پشتونها]) سخت موثر بوده است.

مطابق اسناد فوق: شجاع الملک در معاهده 1809 شاه "کابل"، کامران در معاهده 1839 شاه "هرات" و دوست محمد در معاهدات 1855 و 1857 والی و حاکم "کابل و ممالک افغانستان" خوانده میشوند. در "مهر" محمد افضل در 1866 - 1867 "امیر خراسان" درج است. برای بار اول در معاهده گندمک در 1879 محمد یعقوب خان امیر "افغانستان و متعلقات آن" نامیده میشود و این نام در معاهدات بعدی با امیر عبدالرحمن و امیر حبیب الله تکرار میگردد. فقط در زمان

امیر امان الله است که کلمه "متعلقات آن" حذف گردیده و "افغانستان" بدون هیچگونه نظرخواهی و یا تصویب مرجع مشروعی منحیث نام رسمی کشور باقی میماند.

### تبصره

طوری که دیده میشود عامل مهم و اساسی ای که "دیروز" این کشور را بوجود آورده و مردمان آنرا بهم پیوند داده، "زور" بوده است اما امروز که عصر بیداری ملت ها و گسستن زنجیر هاست و در همه جا فریادهای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی طنین انداز است، دیگر نمیتوان این کشورهای مصنوعی را توسط "امیرهای آهنین" و یا "سیاستهای عظمت خواهانه و الحاق طلبانه" نگه داشت و از فروپاشی آن جلوگیری کرد. دیگر طرحهای نژاد عالیتر، قوم برتر و برادر بزرگتر، قانع کننده و مورد قبول عام نبوده، "زمان" و یا "تاریخ مصرف" آن گذشته است (11، 12 و 13).

تجارب فروپاشی اتحاد شوروی، چکوسلواکیا، یوگوسلاویا و ... پیش روی چشم ماست: طلاق آبرومندانه بهتر از ناشویی جابرانه! فروپاشی کشورهای بزرگ اروپایی (باثر مناسبات ظالمانه) و ایجاد اتحادیه اروپا (باثر مناسبات عادلانه) مثال زنده ای دیگر این جدایی ها و یکجایی ها است: جدایی آبرومندانه بهتر از یکجایی ظالمانه!

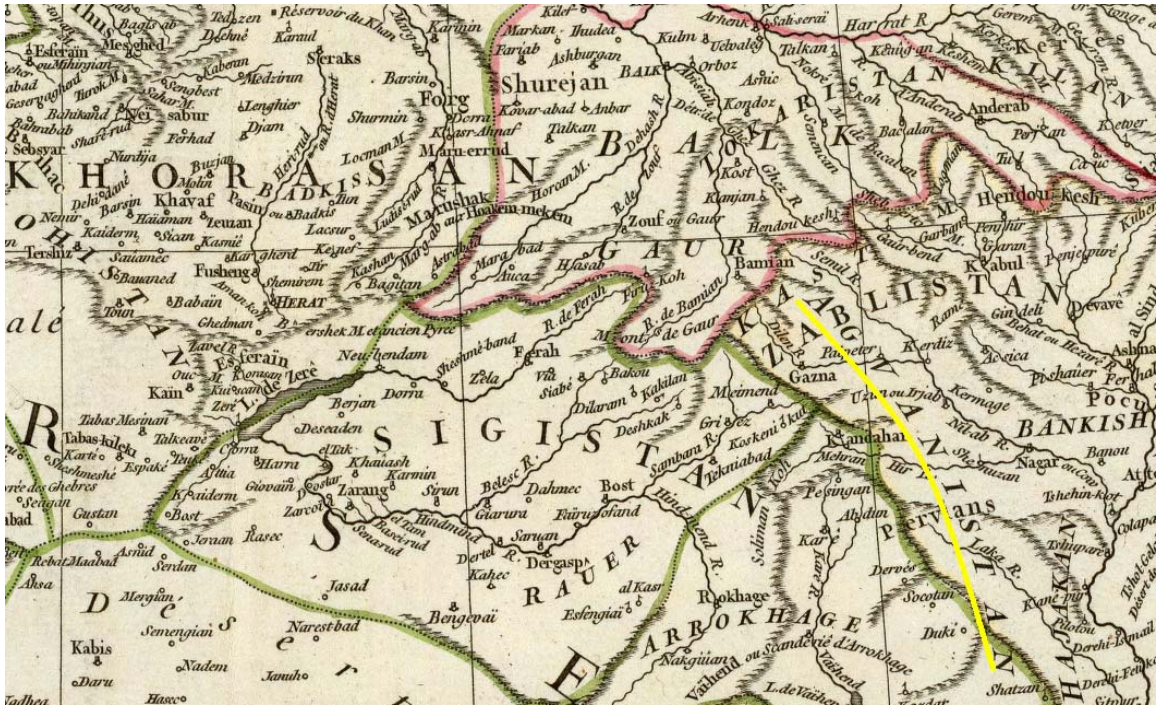
بعقیده من یگانه چیزی که از فروپاشی کشور ما جلوگیری خواهد کرد و مردمان ما را بهم پیوند خواهد داد، فقط و فقط تبدیل انواع بازیهای قومی "بُرد - باخت" جاری در کشور به بازیهای "بُرد - بُرد" از طریق تامین دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی (برای همه ساکنین و باشندگان این سرزمین صرف نظر از هرگونه تعلقات قومی، زبانی، جنسی، فرهنگی، مذهبی، سمتی و غیره) در عمل میباشد و بس!

جواب این سوال که ما در کجا قرار داریم، بکدام جهت میرویم و آینده چه خواهد شد (صرف نظر از عوامل خارجی) مربوط به عقل، خرد و عملکرد سیاستمداران و دولتمردان افغان و افغانستانی در انتخاب این دو مسیر است:

1. ادامه مناسبات کهنه دیروزی: دوام فرهنگ زور، تحمیل، عدم تحمل و ...
2. آغاز مناسبات جدید امروزی: ایجاد شرایط لازم نظری (اعتماد سازی، تحمل و عدم تحمیل از طریق گذشت، دلجویی، اعتراف و معذرتخواهی از آنچه در تاریخ اتفاق افتاده) و عملی (انتخابی نمودن ارگانهای ولایتی و ...) برای یکجایی عادلانه و یا جدایی آبرومندانه!

---

\* قراردادهای نمبر 12 مرز روس- افغان و نمبر 13 مرز انگلیس- افغان توسط دیورند و عبدالرحمن در یک روز در کابل امضا شده است (12 نومبر 1893). اما یکتعداد سیاستمداران و دولتمردان ما یکی را قبول دارند و دیگری را نه! اگر مرزی را که زمامدار وقت (عبدالرحمن) امضا نموده و بعدا سه شاه دیگر (حبیب الله، امان الله و نادرخان) آنرا تأیید رسمی کرده اند (معاهدات نمبر 21، 23، 24 و 26) "تحمیلی و غیر قابل قبول" بدانیم، مرزهای دیگرمان را که هیچ زمامدار این قلمرو امضا و تأیید رسمی نکرده، چه بنامیم؟



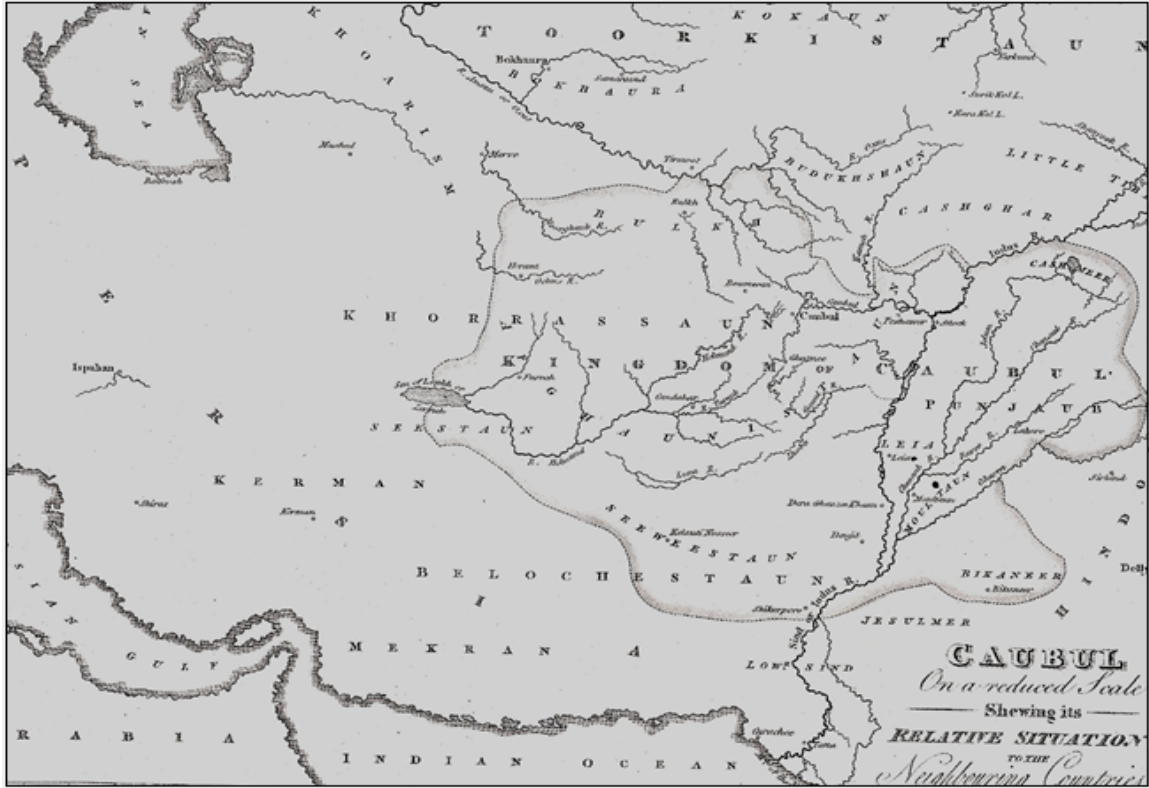
نقشه 1. مناطق "اغواستان" در قسمتی از نقشه آسیا در 1750 میلادی (9)



نقشه 2. مناطق "اوغان"، "اغوان" و "پتان" در اطراف کوه‌های سلیمان در قسمتی از نقشه فارس در 1724 میلادی (9)







نقشه 5. مناطق "افغانستان" در کشور "کابل" در نقشه الفنتون در 1815 میلادی (2)



نقشه 6. مناطق "افغانستان" در کشور "کابل" در قسمتی از نقشه فارس و عرب در 1855 میلادی (9)

## منابع

1. میر محمد صدیق فرهنگ. افغانستان در پنج اخیر. جلد اول. 1371.
2. M. Elphinstone, An Account of the Kingdom of Caubul, and its Dependencies in Persia, Tartary, and India. London 1815.
3. Rulers in Afghanistan. British library website:  
<http://www.bl.uk/collections/afghan/afghanrulers.html>
4. اکادمیسین دکتور عبدالاحمد جاوید. اوستا. 1999 .  
5. محمد اکرام اندیشمند. نگاه به افغانستان، چگونه کشور ما افغانستان نام گرفت؟  
<http://www.ariayemusic.com/dari2/tarikh/andeshmand.pdf>
6. G. Forster. A Journey from Bengal to England through the Northern Part of India, Kashmire, Afghanistan, and Persia, and into Russia, by the Caspian Sea, 1782 – 84. London 1798.
7. C.U. Aitchison, A Collection of Treaties, Engagements and Sanads. Vol-XIII Relating to Persia and Afghanistan. Gov. of India, 1933. <http://www.new.dli.ernet.in/>
8. C.U. Aitchison, A Collection of Treaties, Engagements and Sanads. Vol-I Relating to Punjab States and Delhi, Gov of India, 1931. <http://www.new.dli.ernet.in/>
9. دکتور لعل زاد. افغانستان امروزی در نقشه های دیروزی.  
<http://www.ariayemusic.com/dari3/images/lalzad.pdf>  
<http://www.ariayemusic.com/dari3/images/lalzad2.pdf>  
<http://www.ariayemusic.com/dari3/images/lalzad3.pdf>
10. خواجه بشیر احمد انصاری. بحران هویت ملی در افغانستان، ما کیستیم و اینجا کجاست؟  
[http://garderah.persianblog.com/1383\\_6\\_garderah\\_archive.html](http://garderah.persianblog.com/1383_6_garderah_archive.html)
11. دکتور لعل زاد. دو پیشنهاد ساده و عملی جهت کاهش بحران داخلی و مداخلات خارجی در کشور.  
<http://www.ariayemusic.com/dari3/siasi/lalzad.html>
12. دکتور لعل زاد. بحثی پیرامون راههای ایجاد وحدت ملی در کشور.  
<http://www.ariayemusic.com/dari3/siasi/lalzad2.html>
13. دکتور لعل زاد. هویت، ملت و ناسیونالیسم در عصر حاضر.  
[http://www.khawaran.com/Lalzad\\_HoyatMelatNationalism.htm](http://www.khawaran.com/Lalzad_HoyatMelatNationalism.htm)